ادامه از صفحه۵

فکاهی دلواپسی برای کرسنتی دیگر!

وظیفه توسعه لایه‌های نفتی پارس جنوبی در فاز دوم و سوم کمافی‌السابق به طرح توسعه لایه‌های نفتی سپرده شد و بناست همان‌گونه که روزی از نفت و گاز پارس جدا شد، دوباره به مجموعه نفت و گاز پارس بازگردد. ناظر عالیه راهبری به‌عنوان نماینده عملیاتی شرکت ملی نفت ایران، مدیریت عملیات شرکت نفت و گاز پارس خواهد بود و پس از امضای قرارداد شرکت مِرسک، همچنان کارفرمای شرکت مرسک در بخش عملیات تولید خواهد ماند. با این توصیف، هزینه‌های عملیاتی به دلیل اینکه بهره‌برداری و در حوزه عملیاتی شرکت نفت و گاز پارس خواهد بود به نسبت راهبری کارفرمایی شرکت نفت فلات قاره کمتر و توجیه‌پذیرتر خواهد شد.

توسعه صحیح لایه‌های مخزنی متنوع ولی بسیار نازک این میدان مستلزم به‌کارگیری روش‌های حرفه‌ای و روزآمد و نیازمند تجربه موفق مشابه است. به‌ویژه آنکه مطابق اطلاعات موجود، لایه‌های نفتی از گستردگی بالایی در حد میدان گازی پارس جنوبی برخوردارند و در امتداد هامون و سپند نیز قابلیت توصیف و توسعه دارند. شرکت مرسک مسئول اکتشاف نواحی جغرافیایی و لایه‌های مخزنی مشترک ناشناخته دورتر از مرز، توصیف نواحی نیمه‌شناخته‌شده نزدیک‌تر به مرز، توسعه تمامی نواحی و لایه‌های مخزنی به صورت فازبه‌فاز و براساس توجیه‌پذیری فنی و اقتصادی میدان، بهره‌برداری یکپارچه از تمامی میدان نفتی پارس جنوبی شامل فاز پایلوت یک (هفت حلقه چاه موجود و FPSO) و به‌کارگیری روش‌های کارآمد تجربه‌شده IOR/EOR در سمت مقابل (کشور همسایه) از جمله تزریق آب برای تثبیت فشار و نیز استفاده از WAG خواهد بود و مقرر است در مدت ۱۰ سال به صورت مرحله‌به‌مرحله ظرفیت تولید از لایه‌های نفتی پارس جنوبی به ۱۵۰هزار بشکه نفت خام صادراتی در روز برسد. ناگفته نماند که غالب پرسنل حاضر روی شناور به دلیل آشنایی و سابقه بیشتر، از نیروهای فلات قاره هستند و احتمال اینکه در صورت تمایل برای بهره‌برداری از شناور به نفت و گاز انتقال یابند بسیار زیاد است.

با عنایت به شرح بالا اخیرا یادداشتی در فضای رسانه‌ای انتشار یافت تحت عنوان خطر نفوذ دشمن در میادین حساس نفتی کشور که با نثری بسیار پریشان و آسمان‌به‌ریسمان‌بافته سعی کرده بود تا از ترکیب دو جریان بالا در روزهای حساس نزدیک به انتخابات برای خود کلاهی در مخالفت با وزیر و رأس شرکت ملی نفت بسازد؛ یادداشت فوق‌الذکر که مدعی است متعلق به گروهی از کارشناسان نفت است، حتی شجاعت لازم را برای بیان نام و نشان و تخصص کارشناسان مورد اشاره نداشته است یا شاید اصلا کارشناسی در بساط نبوده و این تنها مرثیه‌های گروهی است که تصمیم گرفتند به‌جای رسالت رسانه، قلم‌به‌مزد بوده و راست و دروغ تنها در پی مطامع گروهی خود باشند؛ نتیجه‌گیری و درخواست پایانی متن نیز بسیار جالب بوده و بیشتر به مطالب فکاهی می‌ماند؛ درخواست از شورای‌عالی امنیت ملی برای ورود و جلوگیری از وقوع کرسنتی دیگر!

در پایان، بیان این نکته خالی از لطف نیست که انتقال طرح از فلات به نفت و گاز پارس یا حتی برعکس تنها تصمیماتی است که براساس تفکرات و برنامه‌های مدیران ارشد صورت می‌گیرد وگرنه، هم فلات و هم نفت و گاز پارس دو بال توانا و شایسته در فعالیت‌های بخش دولتی در فراساحل هستند که از جوانان و متخصصان با دانش و سطح بالایی برخوردارند و هر دو شرکت در سابقه خود همکاری با بزرگ‌ترین شرکت‌های بین‌المللی را یدک می‌کشند. فلات سابقه بیشتری در دریا و در بهره‌برداری از نفت دارد و شرکت نفت و گاز اندکی جوان‌تر و تازه‌نفس‌تر است، از سویی لایه‌های نفتی در دل ناحیه تحت پوشش شرکت نفت و گاز پارس واقع شده‌اند. اینکه در درون اتاق فکر مدیریت ارشد سازمان چه می‌گذرد و درک چرایی و چگونگی تصمیمات فنی ایشان شاید بیش از اینکه نیازمند دودوتاکردن‌های منفعتی و گروهی باشد، نیازمند دانش و بینش مدیریتی است.

خبر ویژه

ارزش بازار سایپا ۵۲۰۰ میلیارد تومان شد

● ارزش کل بازار سایپا تا پایان معاملات روز چهارشنبه، نوزدهم اردیبهشت بالغ بر پنج‌هزارو ۲۰۰ میلیارد تومان شد، این در حالی است که ارزش کل بازار خودرو در بورس تهران در همین زمان بالغ بر ۱۷هزارو ۸۰۰ میلیارد تومان بوده است. سایپا این روزها به سهم طلایی بورس تهران مبدل شده است و به نوعی در این بازار یکه‌تازی می‌کند. در کنار افزایش حجم معاملات سایپا از نظر ارزش و حجم، عبور ارزش کل بازار سایپا از پنج هزار میلیارد تومان یک خبر مهم برای این گروه خودروسازی است. برهمین‌اساس نارنجی‌پوشان جاده مخصوص درحال‌حاضر با ارزش‌ترین سهم بازار در گروه خودرویی از هر نظر هستند. سهام سایپا حداکثر سقف رشد پنج درصد را تجربه کرد همچنین نماد این شرکت بزرگ خودروسازی در بیش از ۲۰۵میلیون‌و ۶۲۷ هزار سهم به ارزش ۲۷میلیاردو ۲۰۰ میلیون تومان مورد دادوستد قرار گرفت.

احمدی‌نژاد یک‌شبه مسکن مهر را ۷۵ برابر کرد

ادامه از صفحه۵

اگر بتوانیم یک میلیون واحد مسکونی بسازیم، ۸۰۰ هزار واحد جایگزین بافت‌های فرسوده و فقط ۲۰۰ هزار واحد ظرفیت‌سازی می‌شود. اما اگر بتوانیم همین ۲۵ سال را به ۳۳ سال برسانیم (با اجرای یک‌سری سیاست‌های پروژه‌های ساختمانی، نظارت بهتر و مدیریت مناسب، عمر مفید ساختمان‌ها را افزایش دهیم) میزان استهلاک ساختمانمان به سه درصد می‌رسد؛ یعنی سالانه ۶۰۰ هزار واحد مستهلک می‌شود و با یک میلیون واحد ساخت سالانه، می‌توانیم ۴۰۰ هزار واحد ظرفیت اضافی تولید کنیم. در این رابطه پروژه‌های مسکن مهر متأسفانه اثر بسیار منفی‌ای را در سطح کشور گذاشته. ساختمان‌هایی که ساخته شده گفته می‌شود هنوز به مرحله بهره‌برداری قرار نگرفته به بافت فرسوده پیوسته‌اند. یعنی عمر مفیدشان فوق‌العاده پایین است و این متوسط عمر ساختمان در کشور را به شدت کاهش داده است. اگر به این محور نگاه کنیم یک نمره منفی قابل توجه به پروژه خواهیم داد. محور ششم، افزایش درجه ایمنی ساختمان‌هاست. بعد از فاجعه دردناک ساختمان پلاسکو، که کل کشور را متاثر کرد، این‌گونه مطرح شد که از برج‌های بزرگ و گران‌قیمتی که در تهران ساخته شده، فقط دو مورد ساختمان است که از نظر ایمنی در رتبه عالی هستند. مشخص است با این وضعیت، در سطح کشور خیلی مشکل داریم؛ چه رسد به بافت فرسوده و ساختمان‌های مسکن مهر، که در شرایط نامطلوب و نامرغوب ساخته شده. درباره ایمنی ساختمان‌ها هم کاری نکرده‌ایم. فقط ساختمان ساخته می‌شود و آمار پروژه‌های قابل افتتاح افزایش پیدا می‌کند. در این برنامه هم نکته مثبتی نمی‌بینیم. محور هفتم بهینه‌سازی مصرف انرژی، در حوزه ساخت و دورانی است که ساختمان بهره‌برداری می‌شود. به‌طور طبیعی در کشوری که اتلاف منابع گسترده‌ای دارد و با مشکلات فراوانی مواجه است، باید در ساخت‌وساز مسکن به سمت بهینه‌سازی مصرف انرژی برویم. در این برنامه اقدامی در این‌باره پیش‌بینی نشده است. خیلی از پروژه‌هایی که در بعضی مناطق ساخته شده، بعد از اینکه به مصرف‌کننده تحویل داده شده دیوار را سوراخ کرده و لوله بخاری نصب کرده‌اند؛ یعنی سازنده حتی جای لوله بخاری را هم پیش‌بینی نکرده است. مشخص است که در این ساختمان میزان ایمنی و اتلاف انرژی تا چه حد خواهد بود. در این رابطه هم نمره منفی به این پروژه می‌دهیم.

نذری نگاه کردن در مسکن مهر

نام محور هشتم را «نگرش چندنسلی و برنامه برای همه متقاضیان» گذاشته‌ام. افرادی که الان در شرایطی هستند که بتوانند در فهرست متقاضیان ثبت‌نام کنند، برگ برنده‌ای پیدا می‌کنند که دیگران نخواهند داشت و فقط فرزندان آنها مسکن مهر را از آنها به ارث خواهند برد. باید برنامه‌ای داشته باشید که فقط برای یک نسل نباشد. دو سال قبل آقای آخوندی، وزیر فعلی راه و شهرسازی می‌گفتند باید در کشور دولت در این حد آماده خدمت‌گزاری باشد که به سؤال «چگونه می‌توانم مسکن بخرم؟» هر فردی پاسخ مناسب بدهد. به عبارتی سایتی در فضای مجازی وجود داشته باشد که حتی یک نوجوان ۱۰ ساله هم بتواند به این سایت مراجعه کند و بگوید من می‌خواهم در آینده مسکن خریداری کنم، شما چه برنامه‌ای به من پیشنهاد می‌کنید و آن سیستم به او می‌گوید؛ شما فعلا حساب بانکی پس‌انداز جوانان باز کن، بعد از دیپلم اطلاعات بعدی را به تو می‌دهیم. نه اینکه فرد از حالا به‌عنوان کابوسی با این قضیه مواجه باشد که باز هم دولت مهرورز وارد میدان خواهد شد و پروژه‌ای به نام مسکن مهر مطرح خواهد کرد ومعلوم نیست من هم بتوانم در آن ثبت‌نام کنم یا نه. این نگاه مثل نذری نگاه‌کردن است. کسانی که در محل هستند می‌توانند از غذای نذری استفاده کنند و برای کسانی که از گرد راه رسیده‌اند و متقاضی خواهند شد فکری نکرده‌ایم. متأسفانه بسیاری از واگذاری‌های مسکن در سال‌های اول انقلاب از این دست بود. امتیازی برای کسانی که در آن زمان می‌توانستند متقاضی شوند فراهم شده، که دیگران باید ۷۰ سال تلاش کنند تا بتوانند جبرانش کنند. این نگاه به خاطر نبود نگرش بین‌نسلی است.

خروج حرفه‌ای‌ها از بازار مسکن

نکته نهم، خروج حرفه‌ای‌ها از بازار مسکن است. در طول سال‌های گذشته همه بسازبفروش و سازنده شده‌اند. هرکسی در کنار فعالیت خودش، پروژه ساختمانی کوچک و بزرگ هم انجام داده است. این نوع فضای ساخت‌وساز باعث شده افراد غیرحرفه‌ای و آماتور وارد بازار شوند. طبعا اینها ساخت‌وسازشان غیرفنی بوده، نظارت خوبی انجام نشده و هزینه تولیدشان بالا بوده است. سودشان هم قاعدتا کم بوده اما به دلیل اینکه در دوره‌ای قرار داشته‌اند که قیمت مسکن به‌شدت بالا می‌رفته، با همین ریخت و پاش‌ها هم سود زیادی کرده‌اند. در کشور ما، یکی از بهترین فعالان حوزه فرش، که تاجر بزرگی شده و توانسته برندی را ایجاد کند، همین که منابع مالی و سرمایه‌ای به دست می‌آورد، بلافاصله پروژه ساخت‌وساز راه می‌اندازد. فرد دیگری که چهره ماندگار صنعت تولید کود و سم در کشور، کارآفرین موفق و توانمند است و کاملا سالم و بدون رانت کار می‌کند نیز در کنار فعالیت پرسود و پرارزش اجتماعی خودش کار ساخت‌وساز انجام می‌دهد. یا سرمایه‌گذار معروفی که چندی پیش از زندان آزاد شد و معروف به عابربانک حوزه فوتبال است، با اینکه فعالیتش کارخانه‌داری در حوزه‌ای دیگر بوده مدام صحبت از تجارت و خریدوفروش زمین و ساخت‌وساز می‌کند. به‌عبارت دیگر شرایط اقتصادی ما به‌گونه‌ای بوده که هر کارآفرین در حوزه خودش همین که پولی به دست آورده، دنبال این نبوده که ادغام افقی یا عمودی شکل دهد و فعالیتش را گسترش دهد؛ بلکه بلافاصله دنبال این بوده که فعالیتی در حوزه ساخت‌وساز داشته باشد. این هجوم گسترده در حوزه ساخت‌وساز از یک طرف باعث ایجاد تورم شده و مهم‌تر اینکه ساخت‌وساز غیرحرفه‌ای شده است. یعنی افرادی وارد این حوزه شده‌اند که این‌کاره نیستند. اینها به‌طور طبیعی آثار فنی، مالی و اقتصادی به بار می‌آورد. محور دهم در پروژه مسکن مهر افزایش نقش سیستم بانکی در تأمین مالی خریداران مسکن است. سیستم بانکی قاعدتا فقط به این منظور تهیه نشده که پول سپرده‌های کوچک مردم را جمع‌آوری کند و در اختیار مشتریان کلان خودش قرار دهد. در کشورهای توسعه‌یافته شاخص «مانده تسهیلات بخش مسکن» نسبت به «کل تسهیلات بانکی» عدد بزرگی است. اگر خاطرتان باشد رکودی که در سال ۲۰۰۸ در آمریکا شروع شد از اینجا بود که بانک‌ها در بخش تسهیلات مسکن سرمایه‌گذاری عظیمی کرده بودند و یکباره مثل بازی دومینو به تمام مؤسسات مختلف مالی اعتباری منتقل شد و ورشکستگی و رکود را به اقتصاد آمریکا و در سطح جهان تحمیل کرد. معمولا در این کشورها در حد ۴۰ تا ۴۵ درصد در سال‌های قبل از این رکود، «مانده تسهیلات بانکی» در اختیار بخش مسکن است؛ یعنی به حدی متقاضیان مسکن وجود دارند که از بانک وام بگیرند و به جای اینکه اجاره مسکن بدهند به طور طبیعی اقساط مسکن را می‌پردازند؛ یعنی عمده مشتری بانک‌ها انگار کسانی هستند که می‌خواهند مسکن بخرند. درحالی‌که در جامعه ما در آن زمان این عدد پنج، شش درصد بیشتر نبود. هر کسی هم نتوانست اقساط را پرداخت کند، بانک ملک را تصرف کرده و در اختیار متقاضی دیگری با همان تسهیلات قرار می‌دهد. در این رابطه برنامه مسکن مهر با عنایت به اینکه بانک‌ها را درگیر کرد، می‌تواند نکته مثبتی باشد، اما درواقع امر درگیرکردن سیستم بانکی با برنامه مسکن، حرکتی مصنوعی است؛ یعنی این‌طور نبوده که بانک‌ها مسیر استفاده تسهیلاتشان را عوض کنند، به‌جای اینکه به مشتریان میلیاردی و کلان‌سرمایه‌دارها وام دهند یا حتی به سهام‌دارهای خودشان وام دهند، این پول را به سمت پروژه‌های ساخت‌وساز مسکن و امثالهم برگردانند؛ بلکه سیستم بانکی را ملزم کرده که از طریق چاپ اسکناس و دست‌کاری‌ها در نظام بانکی منابع فراوان پولی را به پروژه‌های مسکن مهر تزریق کند که نتیجه‌اش تورم گسترده‌ای بود که شکل گرفته است. این تئوری نکته مثبت دارد، اما شیوه عملکرد بسیار مخرب بوده است.

> **در کشور ما، یکی از بهترین فعالان حوزه فرش، که تاجر بزرگی شده و توانسته برندی را ایجاد کند، همین که منابع مالی و سرمایه‌ای به دست می‌آورد، بلافاصله پروژه ساخت‌وساز راه می‌اندازد. فرد دیگری که چهره ماندگار صنعت تولید کود و سم در کشور، کارآفرین موفق و توانمند است و کاملا سالم و بدون رانت کار می‌کند نیز در کنار فعالیت پرسود و پرارزش اجتماعی خودش کار ساخت‌وساز انجام می‌دهد**

حباب قیمت زمین شهری باید حذف شود

بند یازدهم از مباحث این است که برنامه بلندمدت مسکن در یک دهه ۲۰ ساله باید در مسیر کاهش هزینه تولید ساختمان پیامی داشته باشد و برگ برنده‌ای رو کند. اینجا می‌توانیم در مورد صنعتی‌سازی بحث کنیم. ساخت‌وساز از صورت سنتی خارج شود و استفاده از مصالح جدید با فناوری‌های جدید برای ارزان‌کردن قیمت مسکن در دستور کار قرار گیرد، به‌گونه‌ای که متقاضیان کم‌بضاعت هم بتوانند مسکن ارزان‌قیمت را خریداری کنند. اینجا به عبارتی بحث این است که کاهش هزینه تولید مسکن باید از طریق صنعتی‌سازی اتفاق بیفتد. کار دیگری که در جامعه ما باید شکل بگیرد این است که حباب قیمت زمین شهری در کشور باید حذف شود. قیمت زمین شهری در جامعه ما در مقیاس عظیمی بالا رفته است.

برنامه دولت دوازدهم در بخش مسکن و زمین

دولت دوازدهم اگر بخواهد برنامه جامع و بلندمدت برای مسکن طراحی کند، یکی از اولین قدم‌هایش باید این باشد که به فکر کاهش قیمت زمین شهری و خارج‌کردن آن از بازار تجارت عظیمی که شکل گرفته و باعث افزایش قیمت شده، شود. امروز متوجه شدم وعده‌هایی در رابطه با افزایش تسهیلات مسکن داده می‌شود. در این رابطه باید این نکته را گفت که اگر در کشوری ببینیم یک‌سری سرمایه‌گذار کالایی مثل روغن نباتی را احتکار کرده و قیمت را بالا برده‌اند، با احتکار مبارزه می‌کنیم یا به خریداران بالقوه روغن نباتی که پول ندارند این کالا را بخرند، وام می‌دهیم که روغن نباتی گران‌قیمت بخرند. اگر به اینها برای خرید روغن نباتی وام بدهیم، برنده این وام چه کسی است؟ مصرف‌کننده روغن نباتی یا احتکارکننده؟ قاعدتا احتکارکننده سود می‌برد. افزایش وام مسکن نقشی از این نوع دارد. در درجه اول برنده این اتفاق کسانی هستند که قبلا در این حوزه سرمایه‌گذاری کرده‌اند یا اشخاص و نهادها و بنگاه‌ها هستند. بخش مهم دارایی شهری در اختیار این مجموعه است. اگر قیمت زمین شهری بالا باشد، قیمت دارایی‌های آنها حفظ می‌شود. درحالی‌که برای کاهش هزینه تولید برای مسکن باید صنعتی‌سازی و انبوه‌سازی اتفاق بیفتد و با نظارت و مدیریت بهتر، قیمت تمام‌شده مسکن کاهش پیدا کند. در این رابطه هرچند برنامه مسکن مهر این نگاه را داشته که هزینه تولید کاهش پیدا کند و برای این کار، به این نکته توجه کرده که گرانی قیمت زمین، عامل افزایش قیمت مسکن است، اما راهش این نبود که در بیابان‌ها به مردم زمین بدهیم که بسازند و بعد هم دیگر نتوانند به شهر برگردند. باید در همان زمین‌های شهری و بافت‌های فرسوده این کار را انجام می‌دادند. از طرف دیگر کاهش هزینه تولید غیر از مسکن هم مورد توجه بود که متأسفانه نگاهی که انتخاب شده به کاهش قیمت مسکن و هزینه تولید مسکن به این ترتیب بوده که مثلا مصالح کمی در مجتمع‌ها استفاده شده و با کمترین امکانات و رفاه ممکن برای کارکنان ساخته شوند، حتی سازنده جای لوله بخاری را هم متعهد نشده باشد که قیمت کم شود. به‌عبارتی با یک نوع اقدام تخریبی، هزینه تولید مسکن را در مسکن مهر پایین آوردیم، نه به صورت اصولی. نکته دوازدهم، مهار تقاضای سفته‌بازانه و واسطه‌گری است. مثل هر کالای دیگری باید بازار مسکن را ساماندهی کنیم به‌گونه‌ای که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان واقعی در آن باشند و کسی به نیت احتکارکردن وارد این بازار نشود. هرچند برنامه مسکن مهر در کل کشور چنین کاری نکرده، اما در حوزه واگذاری‌ها، ماهیت این برنامه نبود واسطه‌بازی بوده است. نکته سیزدهم، تقویت بخش خصوصی سازنده و کاهش نقش دولت است. به‌عبارتی، زمانی در کشور ما بوده که مشکل مسکن داشتیم و قرار بود مسکن ساخته شود. برنامه جامعی که تهیه می‌شود قاعدتا باید در این مسیر برود که ممکن است دولت در ابتدا نقش بیشتری داشته باشد، اما باید به‌تدریج نقش دولت کاهش پیدا کند. به‌گونه‌ای‌که دولت با سربلندی اعلام کند در زمان شروع برنامه، سهم دولت در بخش مسکن فلان قدر درصد بوده و الان سهمش کاهش پیدا کرده و بخش خصوصی این کار را انجام می‌دهد. بنا نیست بخش مسکن برای همیشه وبال گردن دولت باشد و دولت‌ها مدام با سهمی رو به فزونی در رابطه با تعهدات خودشان این کار را انجام دهند. در این رابطه می‌بینیم دولت از ابتدا به‌طور جدی در قضیه مسکن مهر وارد شده؛ به عبارتی نقش دولت در تأمین مسکن را افزایش داده و این افزایش هم پررنگ‌تر شده. به عبارتی دولت یک‌سری برنامه‌ها و تعهدات گسترده را برای دولت‌های بعدی ایجاد کرده و باعث شده دولت‌های بعدی مجبور به ادامه آن پروژه باشند. مسکن مهر دراین‌زمینه نمره منفی دارد چون در مسیر برعکس حرکت کرد. عنوان آخرین مورد، «ساماندهی اقدامات انسانی» است. یک توان عظیم و انگیزه قوی در جامعه وجود دارد برای حضور در فعالیت‌های اجتماعی و انسان‌دوستانه که باید ساماندهی شود. اگر ساماندهی نکنیم این فعالیت به سمت برگزاری مراسم مذهبی می‌رود. افراد خیری می‌بینیم که مثلا می‌خواهند کار خیر انجام دهند در اعیاد مذهبی، هزینه گزافی را به عنوان ریخت‌وپاش صرف می‌کنند. نباید در جامعه‌ای که امکانات عظیمی به صورت فعالیت‌های خیرخواهانه و انسان‌دوستانه می‌تواند تقویت شود، در چنین مسیری وارد شود. سال‌هاست در جامعه «خیران مدرسه‌ساز» فعالیت می‌کنند. تشکیلاتی به نام «خیران مسکن‌ساز» هم در این سال‌ها شکل گرفته؛ اما حضور محسوسی در جامعه ندارد. اگر دولتی بخواهد برنامه بلندمدت برای مسکن به‌ویژه در کشوری مثل ایران با همه کاستی‌های موجود، داشته باشد، باید در این رابطه حرفی برای گفتن داشته باشد و افراد خیر را تشویق کند. نیکوکاری را تشویق کند که خیلی از هزینه‌هایی که به اشکال نامناسب به عنوان خیرات صرف می‌شود، به سمت ساخت مسکن برای افراد نیازمند صرف شود.

خبر

در دولت یازدهم

دومین کارخانه فولاد استانی وارد مدار تولید می‌شود

● سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) از وارد مدار تولیدشدن دومین کارخانه فولاد استانی در شادگان (خوزستان) در روز ۲۴ اردیبهشت خبر داد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ایمیدرو، کارخانه احیای مستقیم فولاد شادگان براساس روش ایرانی که یک فناوری بومی با ثبت جهانی است، ساخته شده و برای نخستین بار در ایران و جهان راه‌اندازی می‌شود. قرار است امروز، نخستین مرحله از راه‌اندازی گرم این کارخانه با روشن‌شدن مشعل‌های ریفرمر انجام شود. هفت طرح فولادسازی استانی که شادگان یکی از آنها محسوب می‌شود، از سال ۱۳۸۵ به اجرا گذاشته شد، اما به دلیل مشکلات مالی متوقف ماند و در نیمه ۱۳۹۲ با فعالیت دولت یازدهم، از سوی سازمان ایمیدرو فعال‌سازی آنها در دستور کار قرار گرفت. ظرفیت تولید هر یک از طرح‌های فولاد استانی ۸۰۰ هزار تن است که مشتمل بر یک کارخانه آهن اسفنجی و یک کارخانه تولید شمش فولادی است.

فولاد سپیددشت (چهارمحال‌وبختیاری) نخستین واحد از مجموع مزبور بود که آذرماه سال گذشته با حضور معاون اول رئیس‌جمهوری افتتاح شد. فولاد نی‌ریز (فارس)، قائنات (خراسان‌جنوبی)، سبزوار (خراسان‌رضوی)، میانه (آذربایجان‌شرقی) و فولاد بافت (کرمان) دیگر طرح‌های این مجموعه است. کارخانه فولاد شادگان نخستین کارخانه آهن اسفنجی به روش ایرانی است که روز یکشنبه فردا پس از چندین سال توقف، به شکل رسمی افتتاح می‌شود. به گزارش ایرنا، سازمان ایمیدرو امسال علاوه بر راه‌اندازی واحد احیای فولادسازی شادگان، این برنامه را برای فولادسازی‌های میانه، قائنات و نی‌ریز نیز در برنامه دارد و برای همه این واحدها، هریک سرمایه‌گذاری ۱۲۰میلیون‌دلاری پیش‌بینی شده است.